

ایران و فرصت ترانزیت

در حال حاضر تجارت جهانی مبتنی بر جریان کالا و اعتبار است. هر کشوری که بتواند بر این دو جریان تفوق نسبی داشته باشد و بیش از دیگر رقبا بتواند این دو جریان را وابسته به منافع ملی خود سازد، سایه سیطره، نفوذ و قدرت خود را بر سایر کشورها خواهد گسترانید. امروزه دیگر بر کسی پوشیده نیست که دولت آمریکا هژمونی خود بر جریان اعتبار و کالا در سطح جهان را به سلاحی قدرتمند علیه رقبای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تبدیل کرده است و طی چند دهه اخیر، نه تنها از تسلط بر سازوکارهای جابه‌جایی پول و اعتبار بین‌المللی، به نحو ایجابی و در راستای منافع خود بهره‌مند شده است، بلکه راهبرد به تمکین درآوردن کشورهای رقیب و متخاصم با آمریکا را نیز از همین طریق دنبال کرده و در این راه نیز توفیقاتی داشته است.

اگر از داستان تسلط بر جریان اعتبار جهانی بگذریم که ناشی از هژمونی دلار بوده و روندی کمابیش طولانی از سیاست‌گذاری پولی، مالی و نظامی آمریکا بر جهان (به خصوص پس از جنگ جهانی دوم) را پیشاپیش خود دارد، تسلط بر جریان عبور کالا، عمدتاً یک مقوله جغرافیایی و وابسته به حدود طبیعی دولت‌ها، مرزهای سرزمینی و مناطق ژئوپولیتیک جهانی است که در نگاه نخست چنین به نظر می‌رسد که میزان بهره‌مندی از آن، به بهره‌مندی از جغرافیای استراتژیک وابسته است. اما واقعیت جریان جهانی کالا و خدمات (ترانزیت) گویای آن است که در اینجا نیز نیاز بهره‌مندی بهینه از این منبع، علاوه بر الزامات زیرساختی و طبیعی، وجود طرح‌ها و سیاست‌های کلان منطقه‌ای و بین‌المللی است که «مسیر ترانزیت» یک کشور را به یک کریدور استراتژیک جهانی تبدیل می‌کند.

عبور محموله‌های بین‌المللی در قالب ترانزیت از جمله شیوه‌های کسب ثروت ارزی است که همواره در کشورهایی با موقعیت جغرافیایی مناسب مورد توجه ویژه قرار گرفته است. منافع اقتصادی و راهبردی ترانزیت به‌گونه‌ای است که حتی کشورهایی که جایگاه جغرافیایی ویژه‌ای ندارند، می‌کوشند تا با ایجاد ظرفیت‌های نهادی و تجاری، افق پردازی‌های بلندی در این زمینه داشته باشند. ایران اما به‌رغم برخورداری از یکی از موقعیت‌های ویژه جغرافیایی جهان، که ترانزیت را نه تنها برای کالا، بلکه برای انرژی و سفرهای هوایی نیز برجسته می‌سازد، تاکنون از این فرصت عظیم بهره‌برداری چندانی نداشته است. نقش ترانزیتی ایران در گذشته پررنگ‌تر بود، به‌گونه‌ای که ایران را می‌توان یکی از کشورهای پُرسابقه در حوزه ترانزیت نامید. در گذشته حجم بالایی از تجارت بین‌المللی و بین‌قاره‌ای کالا و همچنین عبور و مرور مسافر از مسیرهای موجود در جغرافیای ایران اتفاق می‌افتاد. نقطه اتصال حال حاضر سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا منطقه خاورمیانه است و این منطقه

کریدور
«شمال - جنوب»
با ایجاد یک مسیر
۷۵۰۰ کیلومتری
دهلی را به مسکو
وصل خواهد کرد و
زمان حمل کالا میان
دو کشور را، که در
حال حاضر از طریق
دریا حدود چهل روز
به طول می‌انجامد،
با کاهش بیش از ۶۰
درصد، حدود پانزده
روز تقلیل می‌دهد.